

**پویان شریعت**: «القاعده بازگشته است.» این عبارت بخشی از اظهارات «بن والاس» وزیر امنیت بریتانیا در گفت‌وگو با نشریه ساندی تایمز است که در ۲ روز گذشته نته‌تنها به موضوع مورد بحث در برخی شبکه‌های اروپایی تبدیل شده، بلکه تحلیل‌های مختلفی را به خود اختصاص داده است. وی با اشاره به تهدید و از سرگیری اقدامات تروریستی القاعده در اروپا، به چگونگی فعالیت عناصر این تشکیلات پس از یک روند بازبایی چند ماهه پرداخته و در یادداشت جداگانه‌ای خبر از توسعه فناوری با هدف ضربه به فرودگاه‌ها و ناوگان هوایی از سوی این تشکیلات تروریستی می‌دهد.

درست در شرایطی که اظهارات وزیر امنیت انگلیس توجه برخی رسانه‌های اروپایی و عرب‌زبان را به خود جلب کرده و در شبکه‌های مختلف رسانه‌ای دست به دست می‌شود، ناگهان پایگاه خبری اکسپرس انگلیس با انتشار خبری با عنوان «حیای دوباره داعش پس از شکست»، موضوع تروریست‌های تکفیری را به چند خبر اصلی رسانه‌ها در اروپا تبدیل می‌کند.

اما قبل از بررسی و تحلیل اخبار منتشر شده از سوی رسانه‌های بریتانیا باید نگاهی اجمالی به رابطه تروریست‌های تکفیری در اروپا و ارتباط قاره سبز با این پدیده تروریستی داشت. اکنون با گذشت ۷ سال از یک نبرد خونین در منطقه غرب آسیا و بررسی آمایش سرزمینی القاعده و داعش در شام و عراق، اعلام نابودی خلافت تکفیری نه‌تنها چندان موضوع دشوار و تحلیلی غیرواقعی نیست، بلکه یک رویداد برآمده از طراحی و اقدامات مقاومت به همراه نیروهای متحد خود در خاورمیانه است.

موضوعی که در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ نه‌تنها به یک کابوس برای اذنان عمومی در کشورهای مختلف جهان بویژه کشورهای غرب آسیا تبدیل شده بود، بلکه هیچ‌گونه تحلیلی درباره آینده و سرنوشت آن ارائه نمی‌شد.

درست در روزهایی که جامعه اطلاعاتی اروپا در کنار واشنگتن، متحد سنتی خود همه توانش را برای اعزام اتباع کشورهای مختلف اروپایی به شام و عراق به کار بسته بود، شاید کمتر کسی فکر می‌کرد مناطق اشغالی سوریه و عراق پاکسازی شود و در نهایت بازگشت تروریست‌ها و جنایتکاران به سرزمین مادری‌شان در دستور کار قرار می‌گیرد. اما امروز نه‌تنها حیات و خلافت تکفیری‌ها از مدیترانه تا آسیای مرکزی همچون خیالی آشفته تعبیری ندارد و هرگونه تحرک آن‌ها با واکنش سخت مقاومت همراه است، بلکه اظهارات وزیر امنیت بریتانیا در ساندی تایمز به علاوه مطالب منتشر شده در پایگاه خبری اکسپرس حامل خبری از یک اسباب‌کشی ترسناک است. در همین راستا برای درک بهتر مخاطب از دلایل پیدا و پنهان چنین اظهاراتی از سوی مقامات اروپایی باید به بررسی جداگانه ساختار و رفتار القاعده و داعش در اروپا پرداخت تا در نهایت بتوان موقعیت و رابطه هر یک از تهدیدات مذکور نسبت به جغرافیای قاره کهن را شناخت.



داعش

درست در روزهایی که جامعه اطلاعاتی اروپا در کنار واشنگتن، متحد سنتی خود همه توانش را برای اعزام اتباع کشورهای مختلف اروپایی به شام و عراق به کار بسته بود، شاید کمتر کسی فکر می‌کرد مناطق اشغالی سوریه و عراق پاکسازی شود و در نهایت بازگشت تروریست‌ها و جنایتکاران به سرزمین مادری‌شان در دستور کار قرار می‌گیرد.

اما امروز نه‌تنها حیات و خلافت تکفیری‌ها از مدیترانه تا آسیای مرکزی همچون خیالی آشفته تعبیری ندارد و هرگونه تحرک آن‌ها با واکنش سخت مقاومت همراه است، بلکه اظهارات وزیر امنیت بریتانیا در ساندی تایمز به علاوه مطالب منتشر شده در پایگاه خبری اکسپرس حامل خبری از یک اسباب‌کشی ترسناک است. در همین راستا برای درک بهتر مخاطب از دلایل پیدا و پنهان چنین اظهاراتی از سوی مقامات اروپایی باید به بررسی جداگانه ساختار و رفتار القاعده و داعش در اروپا پرداخت تا در نهایت بتوان موقعیت و رابطه هر یک از تهدیدات مذکور نسبت به جغرافیای قاره کهن را شناخت.

**مصطفی امجدی**؛ صلح افغانستان از سال‌های گذشته تا امروز یکی از محوری‌ترین موضوعاتی است که نه‌تنها در داخل این کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بلکه در ادبیات سیاست خارجی همسایگان این کشور مانند ایران، پاکستان،

روسیه، چین، هند و حتی ترکیه به عنوان یکی از محورهای کنشگری در مقیاس منطقه‌ای به حساب می‌آید.واقعیت این است که ایالات متحده با گذشت ۱۷ سال از حضور چند ضلعی خود (عم از اقتصادی، امنیتی، سیاسی و نظامی) در افغانستان همچنان نتوانسته طالبان را که روزی بر کل افغانستان سیطره داشته از معادلات سیاسی و میدانی این کشور حذف کند یا حداقل راهبردی اتخاذ کند تا آنها سلاح‌های خود را زمین بگذارند. طبیعی است طولانی شدن روند صلح با طالبان مخاطراتی از حیث امنیتی و میدانی برای دولت و مردم افغانستان به همراه داشته و خواهد داشت و این روند دقیقاً نشان می‌دهد با ورود به سال جدید میلادی (۲۰۱۹)، رئیس‌جمهوری ایالات متحده از کارایی استراتژی کشورش در قبال جنوب آسیا ناامید شده است. کنشگری طالبان در عرصه میدانی افغانستان که منجر به انتحار و انفجارهای هفتگی در پایتخت و سایر ولایات این کشور می‌شود، همچنان ادامه دارد و این به معنای نظاره‌گر بودن آمریکایی‌ها در این کشور است. به عبارت دیگر نه تنها استراتژی اخیر دونالد ترامپ در جنوب آسیا نتوانسته در این منطقه کارگشا باشد، بلکه بر اساس نمودارها و آمارهایی که از سوی اندیشکده‌های غربی و منطقه‌ای منتشر شده، این معنا و مفهوم استنباط می‌شود که طالبان در وضعیت کنونی چیزی حدود ۵۵ تا ۶۵ درصد خاک افغانستان را تحت نفوذ خود دارد. به عنوان مثال انستیتو سایت (Site Intelligence Group) که به عنوان یک منبع معتبر خبری – تحلیلی تمام تحرکات گروه‌های تروریستی و افراطی دنیا را به دقت تحلیل و اخبار مرتبط با آنها را منتشر می‌کند، اخیراً طی گزارشی اعلام کرد چیزی حدود ۶۳ درصد خاک افغانستان در دست طالبان است. در ادامه این گزارش به انواع و اقسام تاکتیک‌ها و اهداف طالبان برای تسلط بر بخش عظیمی از خاک افغانستان اشاره شده و جالب اینجاست که در میان متون منتشر شده از سوی این اندیشکده آمریکایی



**گزارش «وطن امروز» از ابعاد احیای فعالیت داعش و القاعده در اروپا**

# خیزش پنهان

خارجی را «مهاجر» نامگذاری کردند که این موضوع

در هر دو تشکیلات تکفیری مشترک است اما هدف از جذب عناصر خارجی در داعش گسترش حوزه نفوذ و همچنین ارتقای توان عملیاتی در کشورهای مختلف عنوان شده است. این در حالی است که پس از اقدام تروریستی داعش در لاس‌وگلس، خبرگزاری «اعماق» رسانه رسمی منتسب به این گروه تروریستی با انتشار اطلاعیه‌ای این اقدامات را در راستای آغاز طرح «نوری نامنی جهانی» که از سوی «محمد العذنانی»، یکی از اعضای کادر مرکزی داعش در سالیان پیشین طراحی شده بود اعلام کرد. این اطلاعیه به موضوع بازگشت نیروهای مهاجر و فعالیت هسته‌های حاضر در اروپا نیز اشاره داشت. در واقع تکفیری‌های داعش با از دست دادن زمین‌های اشغالی در شام و عراق به شکل آشکار خبر از تغییر مثنی عملیاتی و حیات هسته‌های خود از آشکار به زیرزمینی دادند. این در حالی است که امروز با گذشت یک سال از آغاز این مثنی عملیاتی در داعش «مانوئل ساورات» رئیس مرکز مبارزه با تروریسم اروپا در اظهاراتی عنوان کرد برای

جلوگیری از اقدامات نامن‌کننده و تروریستی داعش که اغلب با استفاده از پوشش‌های پلیسی – امنیتی در عراق و سایر کشورهای هدف اجرا می‌شود، باید راهبرد نزدیک شدن نیروهای پلیس به عناصر این گروهک در دستور کار قرار گیرد. وی بسا بیان اینکه این نزدیکی به معنی کاهش فاصله جغرافیایی نیست، اظهار داشت: نزدیک شدن نیروهای پلیس و امنیتی به عناصر تکفیری به‌ این معنا نیست که از لحاظ فیزیکی فاصله موجود کم شود، بلکه حضور و ارتباط با مراکز تجمع و تصمیم‌ساز آنها در فضای سایبر مدنظر است. این اظهارات در حالی در کنار اخبار منتشر شده در رسانه‌های انگلیس توجه تحلیلگران برخی کارشناسان مسائل امنیتی را به خود جلب کرده که در گزارش منتشر شده از سوی یورویل به رشد ۲ برابری اقدامات تروریستی در اروپا نسبت به آمار سال گذشته اشاره شده است. این گزارش تعداد این اقدامات را در سال جاری میلادی ۲۰۵ مورد عنوان و اشاره می‌کند طی اقدامات انجام شده ۶۲ نفر از اتباع کشورهای اروپایی کشته شدند.

در همین راستا سازمان اشتراک اطلاعاتی یورویل طی گزارشی که در ماه نوامبر منتشر کرد به حضور ۵ هزار نفر از اتباع کشورهای اروپایی در داعش اشاره داشت. بر اساس این گزارش از این تعداد بیشترین اتباع متعلق به کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان و بلژیک بوده که به همین جهت بیشترین اقدامات انجام شده نیز در ۴ کشور مذکور بوده است. همچنین این گزارش به بازگشت ۱۵۰۰ نفر از اروپایی‌های فعال در داعش به کشورهای خود برده برمی‌دارد و در ادامه به کشته شدن هزار نفر از اتباع کشورهای قاره سبز در بحران تروریستی خاورمیانه اشاره می‌کند.

در شرایطی که پایگاه خبری اکسپرس از احیای دوباره ساختار سازمانی داعش خبر داده، آمار یورویل بیانگر حضور ۲۵۰۰ تروریست آموزش‌دیده اروپایی آن هم به شکل کاملاً مخفی در کشورهای این قاره است. در واقع بر اساس گزارش یورویل هیچ‌گونه رهگیری موثقی درباره این ۲۵۰۰ عنصر انجام نشده و همین مساله نمودار تهدید در اروپا را با روندی رو به رشد همراه کرده است.

**نگاهی به اقدام آمریکا برای ورود عربستان به پرونده صلح افغانستان**

## احیای شیطنت ریاض در شرق ایران



و قطر بالا گرفته، شاهد آن هستیم که امارات به

عنوان برادرخوانده ریاض به عنوان محل مذاکرات با طالبان انتخاب شده است. مکان جلسه دقیقاً نشان می‌دهد نه تنها منازعه میان دوحه و ریاض به قوت خود باقی است، بلکه قرار است در آینده نه چندان دور عربستان و امارات به عنوان بازیگران صحنه افغانستان با هماهنگی ایالات متحده وارد

پرونده صلح شوند. نکته دیگر اینکه در هفته‌های اخیر شاهد سکوت رسانه‌ای سعودی‌ها دربراه توافق یمن بودیم و به موازات آن بحث فعال شدن امارات و عربستان در بازسازی سوریه به کلید خورد. از جهتی دیگر سکوت رسانه‌های ترکیه و مطبوعات غرب در حمله به ولیعهد عربستان نشان می‌دهد اگرچه ریاض در بسیاری از معادلات شکست خورده است اما به دنبال ورود به پرونده‌های جدید برای کنشگری سیاسی است.

■ **ریاض بیخ گوش تهران**
در پایان آخرین روز از مذاکرات ابوظبی قرار بر این شد نشست‌های بعدی درباره صلح افغانستان در ریاض و ابوظبی برگزار شود. تثبیت تغییر محیط مذاکره می‌تواند کدهای مهمی از جمله فعال شدن عربستان در افغانستان و میل آمریکا برای ورود رقیب

■ ■ ■

**انتخاب امارات به عنوان محل مذاکرات با طالبان دقیقاً نشان می‌دهد نه تنها منازعه میان دوحه و ریاض به قوت خود باقی است، بلکه قرار است در آینده نه چندان دور عربستان و امارات به عنوان بازیگران صحنه افغانستان با هماهنگی ایالات متحده وارد پرونده صلح شوند**

عربستان توانست کانال‌های ارتباطی خود را با کادر مرکزی وقت طالبان برقرار کند. نکته دیگری که باید مورد اشاره قرار بگیرد، همسویی ایالات متحده با عربستان در زمان لشکر کشی شوروی به افغانستان است. آن موقع واشنگتن و مسکو در اوج جنگ سرد و منازعه قدرت با یکدیگر قرار داشتند و بهترین گزینه برای ایالات متحده حمایت از گروه‌های بنیادگرای افراطی در افغانستان علیه شوروی سابق

■ **القاعده**

آخرین اخبار منتشر شده درباره القاعده که در رسانه‌های مختلف اروپایی دست به دست می‌شود خبر از اتخاذ رویکردی جدید در کنار طرح و عملیاتی متفاوت از سوی این سازمان تروریستی می‌دهد. به گفته بن‌والاس تهدید هوایی جدی است و بر همین اساس القاعده به دنبال ارتقای فناوری عملیاتی خود در حوزه فرودگاهی و هوایی در اروپاست. به عبارت ساده‌تر القاعده پس از ۱۷ سال جنگ با نیروهای خارجی در افغانستان و بخش‌هایی از پاکستان و همچنین کسب تجارب عملیاتی و آشنایی با متدهای روز آفند در سوریه و عراق، اروپا را به عنوان هدفی مطلوب در دستور کار قرار داده است.

این در حالی است که به اعتقاد برخی کارشناسان مسائل امنیتی در اروپا، افت نمودار عملیاتی داعش در قاره سبز نه‌تنها به معنی توقف فعالیت تکفیری‌ها نیست، بلکه مجموع اطلاعات جمع‌آوری شده بیانگر بازبایی تشکیلات و بدنه القاعده برای آغاز سلسله اقدامات تروریستی در این قاره مهم است. به گفته ساندی‌تایمز، یک منبع امنیتی در کابینه «ترزامی» درباره اقدامات احتمالی و تهدیدات پیش رو اذعان داشته که عملیات‌های القاعده به سوی ساخت و استفاده از میکرو بمب‌ها و بسته‌های کوچک با هدف ضربه به اهداف هوایی طراحی و دنبال می‌شود. اقدامات مذکور از سوی القاعده به شکلی در یک سال اخیر در دستور کار این سازمان قرار گرفته است که برآورد مراکز امنیت را به اشتباه انداخته است. آنها این‌بار در اروپا به شکلی فعالیت‌های خود را از سر گرفته‌اند که بر خلاف گذشته داده‌ای درباره تحرک آنها مشاهده نمی‌شود؛ موضوعی که به اعتقاد برخی کارشناسان مسائل امنیتی به شکل کاملاً هوشمند و هدفمند از سوی آنها دنبال می‌شود.

این منبع امنیتی در ادامه به ساندی‌تایمز گفته است به دلیل امنیت بالای فرودگاه‌ها تکفیری‌ها به دنبال آن هستند با اتخاذ روش‌های جدیدی که در چند سال گذشته بویژه در سوریه فرا گرفته‌اند، حملات خود را به شکل کاملاً نرم و انفرادی دنبال کنند. به‌عنوان مثال نفوذ در میان پرسنل فرودگاه و جذب عنصر از میسان آنها برای انجام اقدامات فر-محور یکی از روش‌های جدید القاعده است. به عبارت دیگر بر خلاف گذشته که آنها شبکه‌ای فعالیت می‌کردند، این بار برای بالا بردن میزان موفقیت در اقدامات تروریستی انجام این قبیل اقدامات را فردمحور دنبال می‌کنند.

اما در آخر باید متذکر شویم این اسباب‌کشی وحشتناک از خاورمیانه به اروپا نه‌تنها از ابتدا قابل پیش‌بینی بود، بلکه تقار غریبی‌ها در گسترش آتش جنگ در کشورهای غرب آسیا را به وضوح نشان می‌دهد. شاید در ژانویه ۲۰۱۱ کمتر کسی فکر می‌کرد روزی باید همه مراکز اروپا به همراه توان یورویل به دنبال شناسایی و خنثی‌سازی شبکه‌های آموزش داده خود در قاره سبز باشند؛ موضوعی که اگر به شکلی جدی دنبال نشود خود می‌تواند زمینه‌ساز بحرانی دیگر در اروپا باشد.

از آنها عربستان است. بر رنگ شدن نقش «زلمی خلیل‌زاد» در مذاکرات افغانستان، یکی دیگر از دلایل باز شدن پای عربستان سعودی به گفت‌وگو با طالبان است. سیاست خلیل‌زاد بر این اساس است که هر طور شده قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ در آمریکا، باید پرونده صلح با طالبان به یک نقطه مشترک برسد، لذا تیم ترامپ معتقد است فضای فعلی بهترین زمان برای آرام کردن طالبان و امضای توافق اولیه است و اینجاست که آنها به دنبال ورود عربستان به کابل هستند.

■ **عربستان به دنبال ماجراجویی ایدئولوژیک**
باید توجه داشته باشیم پاکستان، امارات عربی متحده و عربستان سعودی اعلام کرده‌اند برای به نتیجه رساندن پرونده صلح آماده هرگونه همکاری برای راضی کردن طالبان هستند اما چالش پیش‌روی منطقه جنوب آسیا این است که سعودی‌ها به دنبال نفوذ ایدئولوژیک خود در منطقه جنوب آسیا و همسایه‌فاره خواهند بود. چرا که اگر ایالات متحده به صورت جدی از افغانستان خارج شود، بدون شک منافع زیادی در این راستا به ریاض اعطا می‌کند و یکی از مسائل بحث شریک‌سازی طالبان در قدرت و ماجراجویی ایدئولوژیک ریاض در منطقه جنوب آسیا خواهد بود.

در این بین یکی از طرح‌هایی که از سوی گلبدین حکمتیار (رهبر حزب اسلامی حکمتیار) از گذشته تا به امروز مطرح شده است، بحث اعطای یک یا چند ولایت پشتون‌نشین به طالبان برای هدایت آنهاست تا از این طریق طالبان را در قدرت شرکت دهند. طبیعی است به دلیل ارتباط‌های پنهان حکمتیار با عربستان این طرح می‌تواند مقدمه‌ای برای تسلط بیش از پیش طالبان بر استان‌های پشتون‌نشین افغانستان که هم‌رمز با ایران است، شود. این موضوع اگر به ورطه عملی برسد بدون تردید مخاطرات امنیتی برای نوار شرقی جمهوری اسلامی خواهد داشت. بنابراین ورود عربستان و امارات به کابل و پرونده صلح با طالبان یکی از موضوعاتی خواهد بود که حداقل در عرصه به‌پهرین‌تنگی‌های ایدئولوژیک و حتی احیای جریان‌های افراطی در جنوب آسیا می‌تواند به عنوان یک زنگ خطر جدی برای ایران، چین، روسیه و حتی هند به حساب بیاید.

■ **پژوهشگر مسائل جنوب آسیا**